قصد دعا و انشاء در تعبیر «و نحمده بالحمد الذي ارتضاه لخلقه»

راجع به جمله‌ی قبلی که در شد‌یم، یک نوشته بلند بالا و خوبی به من دادند. مطالب خوبی گفته‌اند و از سایر روایات دست‌بندی کرده‌اند. من خلاصه‌ی آن را می‌گویم و اگر خواستید از آقا [یکی از حاضران] می‌گیرید.

ایشان فرموده‌اند: این جمله‌ای که در اینجا خواندیم - «ونحمده بالحمد الذي ارتضاه لخلقه، وأوجب قبوله علی نفسه» - مشابهاتی هم دارد. این تعابیر، به‌صورت کلی، سه دسته هستند. یکی اینکه وصف خود حمد است. وصف آثاری است که بر حمد مترتب می‌شود. مثلاً «حَمْداً نُعْتَقُ بِهِ مِن أَلیمِ نارِ اللّهِ إِلَی کَریمِ جوارِ اللّهِ»[1]، اثر این حمد این است. این هم قسم دوم که توصیف آثار حمد است. سوم هم اوصافی است که ناظر به موجِد حمد و حامد است. مثل « اَلْحَمْدُ لِلّهِ بِکُلِّ مآ حَمِدَهُ بِهِ أَدْنَی مَلائِکَتِهِ إِلَیْهِ وَ أَکْرَمُ خَلیقَتِهِ عَلَیْهِ وَ أَرْضَی فعل حامِدٍ یه لَدَیْهِ»[2]. پس حامد، حمد و آثاری که دارد، توصیفاتی است برای این سه تا. بعد سؤالاتی را مطرح کرده‌اند که آیا این‌ها حقیقی است؟ یا این‌ها در نفس الامر هم هستند؟ تعلیمی است یا ارشادی است؟ چهار احتمال را مطرح کرده‌اند. این‌که تعلیمی و آموزش باشد، یا به اندازه‌ی معرفت خودش آن را ایجاد می‌کند، یا با این بیان انشای حمد می‌کند، یا این‌که جنبه‌ی نفس‌الامری و واقعی دارد. جمع‌بندی بین این انواع صورت گرفته است. آیا به محمود هم می‌توان وجهی اضافه کرد یا خیر؟ حمدی که مرتبط با حامد است، حمدی که مرتبط با آثار حمد است، حمدی که توصیف خودش را می‌کند، حمدی که مرتبط با محمود است. علی أیّ حال، آنچه که به نظر می‌رسد، این است که این چهار وجه مانعة الجمع نیستند. شاید خودشان در چهارمی اشاره کرده‌اند. «نحمده حمدا» چه کاره است؟ تعلیمی است؟ یا انشاء است؟ یا واقعیت نفس الامری دارد؟ یک معنایی هم هست که شاید در بین این‌ها جنبه‌ی حقیقی آن، ورای معرفت خود شخص باشد، به‌صورت اشاره آن را عرض می‌کنم. این‌که ذهن ما سراغ آنچه که داریم، نمی‌آید. بلکه ذهن ما قدرت دارد اشاره کند، به آن چیز واقعی. بنابراین ما حمد می‌کنیم، آن حمدی را که اگر ما هم نبودیم، شانیت نفس الامری آن این بود. من آن را نشانه گرفته‌ام. حال آن بتواند بکمالش در وجود من ظهور کند یا نتواند، ولی منافاتی ندارد اگر نتواند در وجود من ظهور کند، من به آن اشاره کنم. یعنی نهایت حمد من آن است. این هم فرمایش ایشان بود. اگر توضیحات بیشتری می‌خواهید بدهید، در خدمت شما هستم.

شاگرد: سؤال بنده این است که با گفتن این جمله، این حمد واقعاً تحقق پیدا می‌کند، یا من دارم طلب می‌کنم که چنین حمدی را دوست دارم؟

استاد: یعنی دعا هست یا انشاء است؟

شاگرد: بله.

استاد: خُب، خود دعا هم یک جور انشاء است، ولی مقصود شما از انشاء این است که من دارم این فرد را ایجاد می‌کنم، نه این‌که آن را طلب می‌کنم تا خداوند متعال بعداً آن را به من بدهد. این جور می‌شود. قبلاً بحث‌هایی داشتیم که استعمال لفظ در اکثر از یک معنا جایز است. مرحوم سید در عروة فرمودند در «ایاک نعبد و ایاک نستعین» باید قصد حکایت از کلام ملک وحی کنیم؟ ای خودتان به خداوند متعال عرض می‌کنید: «ایاک نعبد و ایاک نستعین»؟ ما در خانه‌ی تو، محتاج هستیم؛«ایاک نستعین». ظاهراً سید فرموده بودند که مانعی ندارد؛ اما احوط این است که شما این کار را نکنید. چون اصل و آنچه که بر عبد واجب است، قصد حکایت است؛ قرائت قرآن است، نه انشاء. الآن عروة یادم نیست، ولی این طور در ذهنم هست که مطرح فرموده‌اند. در این جور موارد هم ما می‌توانیم قصد دعا و قصد انشاء کنیم یا خیر؟ برخی می‌گویند: نمی‌شود و تنها یکی از آن‌ها را می‌توان قصد کرد. ظاهر عرفی آن انشاء است، نه دعا. «احمده حمدا»، یعنی الآن من این جور انشاء می‌کنم. ظاهر عرفی‌اش این است، نه دعا. دعا، کمی پشت‌تر از این است و در گام دوم به ذهن می‌آید. اما اگر گفتیم جمع آن ممکن است، هیچ مانعی ندارد که به وسیله‌ی این، بالفعل دارد ایجاد حمد می‌کند و هم همین الآن دارد دعا می‌کند که مرتبه‌ی بالاتر این را در آینده، خدای متعال به من بدهد. استعمال لفظ در اکثر از یک معنا با آن توسعه‌ای که دارد، در خیلی از جاها راه‌گشا و کارگشاست.

حاج آقا مکرر می‌فرمودند که استاد ما [مرحوم آیت اللّه غروی اصفهانی] خودشان قائل بودند به این‌که استعمال لفظ در اکثر از یک معنا جایز نیست، در حاشیه‌ی خودشان بر کفایه – نهایة الدرایة - هم فرموده‌اند. بعد می‌گفتند با این‌که ایشان خودشان این جور بودند، در درس می‌فرمودند عده‌ای قصد انشاء کردند و به مقامات هم رسیدند، ما هنوز داریم بحث می‌کنیم که ممکن است ای محال است! علی أی حال، این یک چیزی است که ظاهراً استحالة‌ی آن، از عجز ما نشأ شده است. استدلالات مرآة و فناء را هم دارند، آن‌ها قابل جواب است. چند بار دیگر هم عرض کرده‌ام. این حاصل عرض بنده است.

---

[1]. صحیفه‌ی کامله‌ی سجادیه، ج ۱، ص ۲۸.

[2]. صحیفه‌ی کامله‌ی سجادیه، ج ۱، ص ۲۸.

بازبینی #2
ایجاد شده 12 فوریه 2024 13:11:36 توسط ... .
به روزرسانی شده 15 فوریه 2024 10:16:49 توسط ... .